



Research Article

Dor: [20.1001.1.25385968.1401.17.3.10.4](https://doi.org/10.25385968.1401.17.3.10.4)

Pathology of the New Rural Management System and Rural Development (Case Study: Central District of Guilan)

Mohamad Nasiri lake¹, Nasrolah Molaei Hashjin*² & Eisa Pourramzan³

1. Ph.D in Geography & Rural Planning, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran

2. Professor, Department of Geography, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran

3. Assistant Professor, Department of Geography, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran

* Corresponding author: Email: nmolaeihashjin@iaurasht.ac.ir

Receive Date: 23 June 2019

Accept Date: 16 March 2020

ABSTRACT

Introduction: Rural management in Iran has been one of the most important challenges for planners and experts in recent decades. The need to pay attention to rural management according to new management theories specific to the rural areas of Gilan and taking into account the specific geographical talents and capacities of the areas; it is more necessary.

Research aim: The purpose of this research is to investigate and determine the pathology of modern rural management in the villages of the central district of Guilan.

Methodology: This research has been done by descriptive-analytical method. Research variables are modern management system and rural development. The central district of Gilan includes 6 cities and 877 inhabited villages, which the statistical population of the research; There are 670 villages with modern rural management, of which 120 villages were selected as a sample, and due to the specialization of the research variables and the need to have specialized information to provide answers to the questionnaire questions; From the point of view of specialists, experts and practitioners in the field of modern rural management, the Delphi method was used. The method of collecting information is documentary and field and to collect information; according to Morgan's method; Questionnaire among 294 people including: 3 members of the Islamic Council of the province, 6 members of the Islamic Council of the city, 18 members of the Islamic Council of the district, 120 members of the Islamic Council of the village, 120 villagers, 3 experts of the rural affairs office of the governorate, 6 experts of the councils and villagers of the governorates and 18 council experts and district villagers were distributed. The research was analyzed through SPSS statistical software and maps using GIS software and hypothesis testing with single-sample T test and mean difference test.

Studied Areas: The geographical area of the present study is the villages of the central district of Gilan province.

Results: The findings of the research show that the current system of modern rural management in the studied area is facing damages. In this regard, 4 institutional-management damages, 5 environmental-ecological damages, 8 physical-spatial damages, 5 economic damages and 6 socio-cultural damages were introduced as the most important damages. In the end; Based on the SWOT method, strategies were presented to realize rural development

Conclusion: According to the drawing matrix, 3 strategies were presented as offensive strategies, 4 strategies as conservative strategies, and 5 strategies were presented as defensive strategies. According to the scores obtained, defensive strategy was proposed as a strategy, and thus, five strategies for empowering and building the capacity of villagers and Members of Islamic Councils - Organization and capacity building and re-creation of headquarters - institutional and management - Development of management and participatory planning and delegation of authority, management and control of rural development to villagers - Development and financing of infrastructure, services and equipment needed by villagers - Development of network and cluster management rural and improving the skills and abilities of villagers are provided.

KEYWORDS: Pathology, Rural Management, Rural Development, Central Area, Guilan Province



فصلنامه علمی مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی
دوره ۱۷، شماره ۳ (پیاپی ۶۰)، پاییز ۱۴۰۱
شاپای چاپی ۰۹۶۸-۲۵۳۵ - شاپای الکترونیکی ۰۹۵۵-۲۵۳۸
<http://jshsp.iaurasht.ac.ir>
صص. ۶۶۵-۶۷۷

Dor: 20.1001.1.25385968.1401.17.3.10.4

مقاله پژوهشی

آسیب‌شناسی نظام مدیریت نوین روستایی و توسعه روستایی (مطالعه موردی: ناحیه مرکزی گیلان)

محمد نصیری لاکه^۱، نصراله مولائی هاشجین^{۲*} و عیسی پوررمضان^۳

۱. دانش آموخته دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران
 ۲. استاد گروه جغرافیا، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران
 ۳. استادیار گروه جغرافیا، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران
- * نویسنده مسئول: Email: nmolaeihashjin@iaurasht.ac.ir

تاریخ دریافت: ۰۲ تیر ۱۳۹۸
تاریخ پذیرش: ۲۶ اسفند ۱۳۹۸

چکیده

مقدمه: مدیریت روستایی در ایران یکی از مهمترین چالش‌های برنامه‌ریزان و متخصصین در دهه‌های اخیر بوده است. لزوم توجه به مدیریت روستایی با توجه به تئوری‌های جدید مدیریتی و مختص نواحی روستایی گیلان و با در نظر گرفتن استعدادهای و ظرفیت‌های جغرافیایی خاص مناطق؛ ضرورت بیشتری دارد.

هدف: هدف این پژوهش بررسی و تعیین آسیب‌شناسی مدیریت نوین روستایی در روستاهای ناحیه مرکزی گیلان می‌باشد.

روش‌شناسی تحقیق: این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. متغیرهای تحقیق نظام مدیریت نوین و توسعه روستایی است. ناحیه مرکزی گیلان شامل ۶ شهرستان و ۸۷۷ روستای دارای سکنه می‌باشد که جامعه آماری تحقیق؛ ۶۷۰ روستای دارای مدیریت نوین روستایی است که تعداد ۱۲۰ روستا به‌عنوان نمونه انتخاب گردید و به جهت تخصصی بودن متغیرهای پژوهش و نیاز به داشتن اطلاعات تخصصی جهت ارائه پاسخ به سوالات پرسشنامه؛ از نظر متخصصین، کارشناسان و دست‌اندرکاران حوزه مدیریت نوین روستایی و روش دلفی استفاده گردید. روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت اسنادی و میدانی بوده و جهت گردآوری اطلاعات؛ به روش مورگان؛ پرسشنامه بین ۲۹۴ نفر شامل: ۳ عضو شورای اسلامی استان، ۶ عضو شورای اسلامی شهرستان، ۱۸ عضو شورای اسلامی بخش، ۱۲۰ عضو شورای اسلامی روستا، ۱۲۰ دهیار، ۳ کارشناس دفتر امور روستایی استانداری، ۶ کارشناس شوراها و دهیاران فرمانداری‌ها و ۱۸ کارشناس شوراها و دهیاران بخش‌داری‌ها توزیع گردید. تحقیق از طریق نرم‌افزار آماری SPSS و نقشه‌ها با استفاده از نرم‌افزار GIS و آزمون فرضیه‌ها با T تک‌نمونه‌ای و آزمون تفاوت میانگین‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

قلمرو جغرافیایی پژوهش: قلمرو جغرافیایی پژوهش حاضر روستاهای ناحیه مرکزی استان گیلان می‌باشد.

یافته‌ها: یافته‌ها پژوهش نشان می‌دهد که نظام فعلی مدیریت نوین روستایی در ناحیه مورد مطالعه با آسیب‌هایی مواجه است. در این رابطه تعداد ۴ آسیب نهادی - مدیریتی، ۵ آسیب محیطی - اکولوژیک، ۸ آسیب کالبدی - فضایی، ۵ آسیب اقتصادی و ۶ آسیب اجتماعی - فرهنگی به‌عنوان مهمترین آسیب‌ها معرفی گردید. در پایان؛ بر اساس روش SWOT، راهبردهایی جهت تحقق توسعه روستایی ارائه گردید.

نتایج: باتوجه به ماتریس ترسیمی، تعداد ۳ راهبرد به‌عنوان استراتژی‌های تهاجمی، ۴ راهبرد به‌عنوان استراتژی‌های محافظه‌کارانه، تعداد ۵ راهبرد به‌عنوان استراتژی‌های تدافعی ارائه گردید که با توجه به امتیازات حاصله، استراتژی تدافعی به‌عنوان راهبرد پیشنهاد گردید و بدین ترتیب، پنج راهبرد توانمندسازی و ظرفیت‌سازی دهیاران و اعضای شوراهای اسلامی - سازمان‌دهی و ظرفیت‌سازی و بازآفرینی ستادی - نهادی و مدیریتی - توسعه مدیریت و برنامه‌ریزی مشارکتی و واگذاری اختیارات، مدیریت و کنترل توسعه روستایی به دهیاران - توسعه و تامین اعتبارات زیرساخت‌ها، خدمات و تجهیزات مورد نیاز دهیاری‌ها - توسعه مدیریت شبکه‌ای و خوشه‌ای روستایی و ارتقای مهارت و توانایی دهیاران ارائه می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: آسیب‌شناسی، مدیریت روستایی، توسعه روستایی، ناحیه مرکزی، استان گیلان

مقدمه

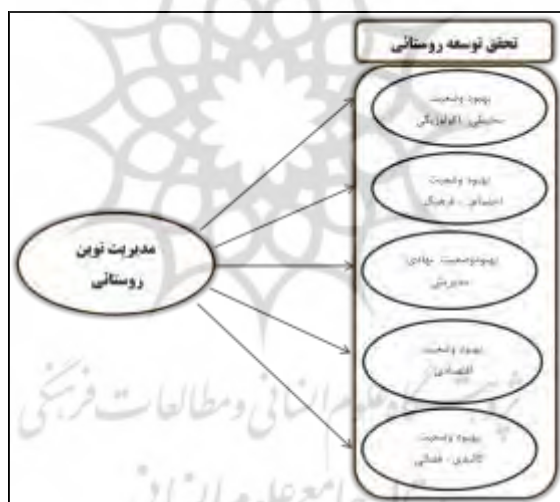
امروزه توسعه روستاها در مقایسه با گذشته؛ در ارتباط تنگاتنگی با مدیریت روستایی است و بسیاری از صاحب‌نظران توسعه روستایی، مدیریت را عامل مهم و موثر در توسعه روستایی قلمداد می‌کنند. توسعه روستایی؛ پدیده‌ای چندبعدی، با رویکرد جامع‌نگر و نظام‌مند در توسعه روستایی مطرح می‌گردد که دارای ابعاد و ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی می‌باشد (کریمی و احمدوند، ۱۳۹۳). امروزه صاحب‌نظران و متفکران توسعه، رسیدن به توسعه یکپارچه و پایدار روستایی را مستلزم مدیریتی کارآمد و موثر می‌دانند که بتواند با بکارگیری همه منابع و امکانات و از طریق شیوه‌های خلاق، اهداف توسعه را مدنظر قرار دهد و با برنامه‌ریزی، سازماندهی، هماهنگی و رهبری، توسعه متوازن و پایدار را برای روستاها رقم بزند. بنابراین باتوجه به ارتباط تنگاتنگ و دوسویه میان مدیریت و توسعه روستایی؛ می‌توان گفت که جهت تحقق توسعه پایدار در همه ابعاد، باید به مقوله مدیریت توجه ویژه‌ای داشت و مدیریت؛ رکن مهم و لاینفک توسعه روستایی است. در نگرش جدید توسعه؛ بازگشت به ویژگی متمایز تاریخی هر جامعه، از یک طرف و پرهیز از القای نسخه‌های تجویزی توسعه از بالا به پایین از طرف دیگر، تاکید می‌شود که در آن، هویت محلی زیربنای مدیریت محلی و مدیریت محلی ابزار اصلی توسعه پایدار روستایی به شمار می‌رود (رضوانی، ۱۳۸۶).

نظام مدیریت روستایی ایران طی سال‌های گذشته و به‌خصوص پس از برهم‌خوردن نظام مدیریتی کدخدایی؛ تحولات و دگرگونی‌های زیادی داشته است که با حذف این نوع مدیریت؛ خلاء آن در روستاها، مشکلات زیادی را برای روستاییان ایجاد نمود و با توجه به تغییر شرایط اجتماعی و مقتضیات زمانی؛ دیگر ساختار مدیریتی سنتی و کدخدایی، قادر به حل و فصل مشکلات موجود نبود و از طرف دیگر؛ ساختار جدید مدیریت روستایی نیز که مبتنی بر مشارکت مردم در امور و برنامه‌ریزی از پایین به بالاست؛ به دلایل زیادی نتوانسته جایگاه خود را در این شرایط پیدا کند. در واقع توسعه روستایی بر مشارکت روستاییان استوار است (استلاجی، ۱۳۹۱). هدف از این توسعه، بهبود زندگی ساکنین روستا در یک روند پایدار است. متأسفانه با حضور تشکیلات دولتی در دهه ۴۰، شیرازه مدیریت روستاها از هم پاره شد. تا قبل از اصلاحات ارضی، وظیفه مدیریت روستاها با ملاکین بود و روستاها به‌صورت ارباب‌رعیتی اداره می‌شد. از آنجایی که محل درآمد مالکین بزرگ در روستاها بود و عمدتاً آن‌ها در روستاها زندگی می‌کردند؛ به مقوله مدیریت روستایی توجه داشتند که پس از اصلاحات ارضی؛ مالکین، منافع خود در روستاها را از دست دادند و به تدریج سرمایه‌های خود را از روستا خارج کردند. دولت هم که به‌دلایل مختلف در امور روستاها دخالتی نداشت؛ در نتیجه اوضاع مدیریتی در روستاها تضعیف شد.

در مجموع در خصوص مدیریت روستایی در پیش از انقلاب، می‌توان گفت که دخالت دولت در روستا، ارکان سنتی اداره امور عمومی را از هم پاشید و تشکیلاتی مانند انجمن ده، هیچ‌گاه پایگاه استواری برای فعالیت نیافت. جامعه روستایی به‌دلیل سلطه فرهنگی، تاریخی نظام ارباب‌رعیتی و به سبب مشکلاتی که انجمن‌های ده با آن‌ها مواجه بودند؛ مانند: اختلاف میان اعضاء، عدم احساس مسئولیت، بی‌سوادی، عدم همکاری روستاییان (ایمانی جاجرمی، ۱۳۷۲). آمادگی لازم برای پذیرش الگوهای نوین مدیریت امور عمومی، مانند انجمن ده را نداشت. از سوی دیگر، سیاست‌های دولت در مورد روستاها نیز به شدت متغییر بود و قوانین به‌طور مکرر تغییر می‌کرد. مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۶۱ "قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشور" را به تصویب رساند و برابر این قانون، شوراهای اسلامی عهده‌دار مدیریت روستایی شد. در راستای مدیریت بهتر روستاها، با تصویب اساسنامه تشکیلات سازمان دهیاری، توسط هیات وزیران در تاریخ ۸۰/۱۱/۲۱ وظایف تفصیلی دهیار و دهیاری‌ها، جهت اداره امور و توسعه روستاها به دهیاری در فرایند برنامه‌ریزی، نظارت و ارزیابی عناصر کلیدی به‌شمار می‌رود. تاسیس این نهاد عمومی غیردولتی؛ نشانه‌ای از حرکت به‌سوی اجرای نظام نوین مدیریت در روستاها بوده که می‌توانست تحول‌شگرفی در فرایند مدیریت و توسعه روستایی ایجاد نماید. بنابراین قانون شوراهای و دهیاری‌ها به‌عنوان اساسی‌ترین مرجع برنامه‌ریزی روستاها، نقش اساسی در سطح تصمیم‌گیری در محیط روستا را بر عهده دارد (بدری و موسوی، ۱۳۸۸).

تشکیل این نهاد عمومی در مناطق روستایی می‌تواند منشاء خدمات بسیاری برای روستاییان باشد. اکنون شوراهای و دهیاری‌ها تحت‌عنوان مدیریت نوین روستایی از آنها یاد می‌شود و هدایت جوامع روستایی به آنها سپرده شده است تا در چارچوب قوانین و با توجه به وظایف و اختیاراتی که برای آنها تعیین شده، برای حل مشکلات روستاها و در نهایت حرکت به سمت توسعه آنها به فعالیت بپردازند. بر این اساس؛ ساختار مدیریت روستایی در کشور، شامل دو بخش شوراهای اسلامی روستاها به‌عنوان نهادی تصمیم‌گیر و دهیاری‌ها به‌عنوان نهاد اجرایی می‌باشد. دهیاری‌ها از جمله مدیران روستایی می‌باشند که می‌توانند نقش مهمی در

توسعه بخش روستایی ایفا نمایند (رضوانی، ۱۳۹۱). که به‌عنوان یکی از نهادهای مدیریتی در دهه اخیر برای مدیریت امور روستاها بوجود آمده‌اند (شکل ۱). حال که پس از گذشت بیش از یک دهه از شکل‌گیری دهیاری‌ها؛ ارزیابی عملکرد این نهاد مردمی مورد توجه قرار گرفته است؛ با بررسی اجمالی وضعیت روستاهای ناحیه مرکزی گیلان می‌توان دریافت که بیشتر روستاها از بعد کالبدی - فضایی تحول یافته‌اند اما در سایر ابعاد، به خصوص بعد اقتصادی ناموفق بوده‌اند. از آنجایی که توسعه می‌بایست در همه ابعاد آن محقق شود، می‌توان ضمن آسیب‌شناسی مدیریت فعلی روستایی؛ راهبردهایی جهت توسعه روستایی ارائه کرد. با توجه به تجربه‌ای که محقق در طول ۱۶ سال سابقه کار در استانداری و فرمانداری‌های محدوده مطالعه دارد و از نزدیک با مشکلات روستاها آشناست، یکی از دلایل مهم عدم توسعه روستاها؛ مشکلات مدیریتی است؛ لذا از طریق تدوین الگوی مناسب مدیریت روستایی می‌توان موجبات تحقق توسعه روستایی را فراهم نمود. در حال حاضر، بسیاری از برنامه‌های توسعه ملی، اولویت ویژه‌ای به کاستن نابرابری‌ها و اقداماتی می‌دهند که برای بهبود بخشیدن به سطح زندگی پایین‌ترین گروه‌های درآمدی و فقیرترین نواحی تنظیم شده‌اند (حسین‌زاده دلیر، ۱۳۹۴). داشتن مدیر ارشد مستقل در روستا و از طریق: برنامه‌ریزی، هماهنگی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، خلاقیت، استفاده از مشارکت مردمی و غیره می‌تواند زمینه تحقق توسعه روستایی را فراهم سازد. ضرورت تبیین دقیق جایگاه مدیریت محلی در ابعاد مختلف و تشریح نقش مدیران محلی در انجام وظایف در نواحی روستایی جهت بازدهی بیشتر، افزایش کارایی و اثربخش نمودن فعالیت‌ها ضروری به نظر می‌رسد (حسینی ابری، ۱۳۸۰). با شکل‌گیری شوراهای اسلامی و متعاقب آن، گسترش نهادهای مدنی و به‌خصوص با تشکیل دهیاری‌ها؛ هم زمینه واگذاری امور به مردم فراهم آمد و هم بستر جذب و مشارکت‌های مردمی در راستای توسعه روستاها آماده گردید. در این تحقیق، بنا بر این است که ضمن شناسایی نقاط ضعف، قوت، فرصت‌ها و تهدیدهای نظام فعلی مدیریت روستایی؛ با اصلاح نظام مدیریت نوین روستایی؛ شرایط را جهت توسعه روستاهای ناحیه مرکزی استان گیلان، از نظر ابعاد: محیطی - اکولوژیک، اجتماعی-فرهنگی، نهادی-مدیریتی و اقتصادی نیز فراهم کرد (شکل ۲).



شکل ۲. مدل مفهومی تحقیق

با توجه به‌عنوان تحقیق؛ مهم‌ترین هدف پژوهش حاضر، تعیین آسیب‌های مدیریت نوین روستایی در توسعه روستایی ناحیه مرکزی گیلان و ارائه راهبردها جهت برون رفت از این آسیب‌ها است. این پژوهش در صدد پاسخگویی به این سوال اصلی است که آسیب‌شناسی نظام مدیریت نوین روستایی در توسعه روستایی ناحیه مرکزی گیلان تا چه حد تاثیر دارد؟ آسیب؛ از نظر لغوی به معنای آفت، بیماری، اختلال و خطر آمده است. در فرهنگ فارسی به معنی آسیب: زخم، عیب و نقص، درد، رنج، گزند، آزار، زیان، خسارت (معین، ۱۳۵۰: ۵۸) و در فرهنگ عمید شناخت درد و رنج و خسارت (عمید، ۱۳۸۹: ۴۴) آمده است. آسیب در اصطلاح هم به آن دسته از علل و اختلالاتی اطلاق می‌شود که وجودشان تداوم و حرکت پدیده‌ای را تهدید می‌کند و آن را از رسیدن به اهداف و آرمانش باز می‌دارد و یا از کارایی لازم می‌اندازد. بر اساس تعریف فرهنگ پیشرفته آکسفورد، آسیب‌شناسی، مطالعه علمی آسیب‌ها، بیماری‌ها و اختلالات است (مولائی هاشجین، ۱۳۹۷). اصطلاح آسیب‌شناسی در همه رشته‌های علوم بشری، اعم از کاربردی، پایه، تجربی، طبیعی و انسانی کاربرد دارد. آسیب‌شناسی، موقعیتی و یا حالتی زیست‌شناختی است که در آن، یک ارگانیزم از عملکرد صحیح و یا مناسب منع شده است. آسیب واژه‌ای است که بیشتر سببه پزشکی و زیست‌شناختی دارد. این مفهوم

در علم پزشکی به معنای فرایند شناسایی امراض، علل امراض و تجویز روش درمان مناسب است. این مفهوم از علم پزشکی وارد حوزه‌های دیگر به‌ویژه علم مدیریت شده است. امروزه آسیب‌شناسی به یکی از مهم‌ترین روش‌های پژوهشی در حوزه علوم شناختی و کاربردی تبدیل شده است. در واقع آسیب‌شناسی به شیوه‌ای قانونمند و بخش جدایی‌ناپذیر از روش‌شناسی در حوزه علم مدیریت؛ به تحول سازمانی منتهی می‌شود (مکتونی، ۱۳۹۳). در این پژوهش؛ منظور از آسیب‌شناسی، بررسی و تعیین چالش‌هایی است که شورای اسلامی روستا و دهیار با آن مواجه هستند.

واژه مدیر در لغت به معنای "اداره کننده یا گرداننده کاری" آمده است. مدیریت به معنای نظام دادن، گرداندن و رتق و فتق کردن امور بکار برده شده است (سعیدی، ۱۳۹۰). برخی از صاحب‌نظران؛ مدیریت را هنر انجام دادن امور به‌وسیله دیگران توصیف کرده و بر نقش دیگران و قبول هدف از سوی آنان تأکید ورزیده‌اند. گروهی مدیریت را علم و هنر هماهنگی کوشش‌ها و مساعی اعضای سازمان و استفاده از منابع برای نیل به اهداف معین توصیف کرده و گروهی دیگر آن را در قالب انجام وظایفی چون برنامه‌ریزی، سازماندهی، هماهنگی و جزء آن بیان کرده‌اند (الوانی، ۱۳۸۵). برخی نیز معتقدند مدیریت فرایند به‌کارگیری موثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات و هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و بر اساس نظام ارزشی مورد قبول صورت می‌گیرد (رضائیان، ۱۳۸۹). در قلب مفهوم مدیریت مبتنی بر جامعه محلی فرایندهای چندگانه‌ای توسعه یافته‌اند که در آن نمایندگان گروه‌های ذینفع به‌صورت منظم با هم در تعامل می‌باشند.

مدیریت مهم‌ترین عامل در حیات، رشد، بالندگی و یا مرگ یک جامعه است و روند حرکت از وضع موجود به‌سوی وضع مطلوب را کنترل می‌کند (رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۸۶). مدیریت روستایی فرایند چندجانبه‌ای است که شامل سه رکن مردم، دولت و نهادهای عمومی است. در این فرایند با مشارکت مردم و از طریق تشکیلات و سازماندهی روستایی، برنامه‌ها و طرح‌های توسعه روستایی تدوین و اجرا و تحت نظارت و ارزشیابی قرار می‌گیرد (رضوانی، ۱۳۸۶). مدیریت روستایی تلفیق و تنظیم عوامل مختلف طبیعی، انسانی و اقتصادی در جامعه روستایی می‌باشد. مدیریت روستایی عبارت است از مجموعه‌ای اعم از دولتی یا مردمی، فردی یا گروهی و در اشکال کلان و خرد که به‌عنوان متولیان امور مربوط به روستا فعالیت دارند. گسترش مفهوم مدیریت روستایی علاوه بر اینکه مشکلات رسیدگی به امور مربوط به روستاها را بیان می‌کند چگونگی مواجهه مطلوب با روستاها و برنامه‌ریزی روستایی را برای کارشناسان و متخصصین نیز آشکار می‌سازد (قدیری معصوم و ریاحی، ۱۳۸۳).

نقاط روستایی و جوامع روستانشین ایران از دیرباز مانند سایر جوامع انسانی دارای سلسله مراتب مدیریتی متناسب با اوضاع و احوال اقتصادی، اجتماعی و سیاسی زمان خود بوده است؛ زیرا بدون نظم و نسق اجتماعی اصولاً اداره هیچ یک از جوامع بشری و از جمله مناطق روستایی امکان‌پذیر نبوده است (حسینی ابری، ۱۳۸۰). منظور از مدیریت نوین روستایی، دهیاری است. دهیاری به‌عنوان نهاد عمومی و غیردولتی با شخصیت حقوقی مستقل است که به‌عنوان بازوی اجرایی شوراهای اسلامی روستایی به‌صورت خودکفا اداره می‌گردد (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۲). که در سال ۱۳۷۷ قانون تاسیس دهیاری‌های خودکفا در روستاها به‌تصویب رسید و در نهایت از سال ۱۳۸۲ به‌عنوان متولیان جدید مدیریت روستایی؛ وظیفه مدیریت روستایی را عهده دار شدند (برقی، ۱۳۹۳).

توسعه پدیده‌ای است با ابعاد مختلف که هر یک به‌نوعی در زندگی انسان نمود دارد. اگر چه ابعاد مذکور از اهمیت یکسانی برخوردار نیستند و بسته به سطح توسعه جوامع مختلف، تفاوت‌هایی دارند ولی با وجود این، هماهنگی بین ابعاد توسعه لازم و ضروری است و در محافل علمی و بین‌المللی توسعه را با این صفت می‌شناسند و مورد بحث قرار می‌دهند؛ یعنی پدیده یا عنصری که هماهنگی در تمام ابعاد آن باشد (زمردیان، ۱۳۷۰). توسعه فرایندی پیچیده و چندبعدی و مستلزم اعمال تغییرات در ساخت اجتماعی، طرز تلقی مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه‌کن کردن فقر است. توسعه قبل از هر چیز تعهدی است به "وسیله انسان" "با انسان" و "برای انسان" (آسایش، ۱۳۸۱). توسعه روستایی را می‌توان فرایندی از تغییرات و تحولات با هدف بهبود و ارتقای کمی و کیفی سطح زندگی جامعه روستایی دانست. فرایندی که به ایجاد تعادل و توازن زیستی بین دو فضای شهری و روستایی می‌انجامد و عمدتاً در پی ایجاد توان و کارایی لازم برای جمعیت کم درآمد و فقیر روستایی است که کمتر قادر است به‌روی پای خود بایستد (مطیعی لنگرودی، ۱۳۹۳).

روستاها ایران به‌عنوان اولین واحدهای اجتماعی و مرکز استقرار و مکان انسان از هزاره‌های دور دارای سازمان اجتماعی و مدیریت بوده‌اند (طالب، ۱۳۷۱). مسلم است که همگام با تحولات زمانی مکانی، گسترش روابط و ارتقای سطح فرهنگی شیوه‌های مدیریت هم بهبود یافته‌اند. اما نکته اساسی در این میان، این جنبه بنیادی است که نظام‌های مدیریتی در بستر معین اجتماعی اقتصادی خویش پدیدار می‌گردند و در عین پیوند با روندهای گذشته می‌تواند به نحو مثبتی در سمت‌دهی به روندهای آتی به‌عنوان

تجربه جمعی به کار گرفته شوند. به طور کلی نظام مدیریت روستایی در ایران طی سالیان طولانی به لحاظ ساختارهای اجتماعی - اقتصادی تحولات و دگرگونی‌های پیچیده‌ای داشته است (مهوی، ۱۳۸۴) و خلاء مدیریت کارآمد و اصولی در روستاها در تمامی ادوار، به خصوص در دهه‌های اخیر؛ مشکلات فراوانی را برای روستاییان ایجاد کرده است. از یکسو با توجه به تغییر شرایط و مقتضیات زمانی، دیگر ساختار سنتی مدیریت قادر به حل و فصل مشکلات این جامعه مولد نبوده و از دیگر سو، ساختار جدید مدیریت روستایی که مبتنی بر مشارکت مردم در امور و برنامه‌ریزی از پائین به بالاست؛ به دلایل متعدد از جمله غیربومی بودن، نتوانست جایگاه خود را پیدا کند (رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۸۶). مدیریت روستایی در ایران، مانند دیگر سطوح مدیریتی سرزمین از گذشته‌های دور تاکنون با تحولات ساختاری، تغییرات سازمانی، شیوه مدیریت، چالش‌های ساختاری و مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو بوده است؛ به گونه‌ای که با توجه به تغییر شرایط و مقتضیات زمانی در هر دوره‌ای، ساختارهای قبلی سنتی اعمال مدیریت در مناطق روستایی نتوانسته است مشکلات را حل کند و نیز ساختار و مدیریت جدید روستایی به‌ویژه از دهه ۱۹۸۰ به بعد که مبتنی بر مشارکت در امور و برنامه‌ریزی از پائین به بالا بوده است (فیروزی، ۱۳۸۹). شناخت روند واقعی و وضعیت موجود مدیریت روستایی در کشور و جمع بندی تنگناها و مسائل و مشکلات موجود بر سر راه مدیریت روستایی می‌تواند سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان این حوزه را جهت ترسیم چشم‌انداز مطلوب یاری نماید و راه را برای طریق و پیشنهادها راهبردی در این زمینه هموار سازد. بررسی مدیریت روستایی در ایران نشان می‌دهد که تحولات زیادی در این زمینه رخ داده و مدیریت روستایی محلی همواره فراز و نشیب‌های زیادی را پشت سر گذاشته‌اند. فروپاشی نظام مدیریت روستایی سنتی و عدم جایگزینی مدیریت نوین (قبل از انقلاب)، برگزاری انتخابات شوراهای اسلامی روستایی بلافاصله پس از پیروزی انقلاب؛ برگزاری انتخابات سراسری شوراهای اسلامی شهر و روستا در سال ۱۳۷۷، تصویب قانون تاسیس دهیاری‌های خودکفا و تصویب قانون تجمیع عوارض و اختصاص ۳۰ درصد از عوارض متمرکز به روستاها (ایجاد بستر مناسب برای تشکیل دهیاری در روستاها) سرفصل‌های اصلی تحولاتی است که در این خصوص روی داده است. در روند تحول مدیریت روستایی؛ ایجاد زمینه برای شکل‌گیری دهیاری‌ها به‌عنوان مرجع تصمیم‌گیری و نظارتی در روستا و اختصاص بخشی از عوارض متمرکز فصل نوینی را در مدیریت روستایی گشوده است. در حال حاضر مدیریت روستایی در ایران با مسائل و مشکلاتی مواجه است که نیازمند توجه از سوی مسئولین و سیاست‌گذاران می‌باشد. این آسیب‌ها را می‌توان در مواردی مانند: عدم تبیین مبانی نظری، فقدان مدیریت واحد روستایی، نبود منابع مالی پایدار، کم‌رنگ بودن مشارکت مردم محلی، وضعیت آموزش نیروی انسانی، دسترسی به تجهیزات، ابزارها و تاسیسات جستجو نمود. در این حوزه، تحقیقات زیادی در خارج و داخل کشور انجام شده است که در هر یک از آن‌ها از زوایای مختلفی به موضوع مدیریت روستایی توجه شده و ابعاد مختلفی از آن مورد بررسی قرار گرفته است. شهبازی (۱۳۹۰) در پژوهش آسیب شناسی مدیریت روستا؛ به بررسی نقش اصلاحات ارضی در از بین بردن نظام سنتی مدیریت روستایی و آسیب‌شناسی آن پرداخته و نتایج حاکی است که هر گونه طراحی برای نظام مدیریت روستایی باید مبتنی بر اعتماد و اعتقادات مردم روستایی باشد. حیدری مکرر و نظری (۱۳۹۰) در تحقیق بررسی آسیب‌ها و چالش‌های مدیریتی در روستای صفی آباد جوانرود؛ نتیجه گرفت عدم مشارکت مردم در امورات روستا و بی توجهی دولت در همکاری بین شورا و ادارات از عوامل مهم چالش مدیریت روستایی می‌باشد که می‌بایست آن‌ها را بر طرف نمود تا به توسعه روستایی رسید. قدیری معصوم و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان آسیب‌شناسی دهیاری‌های شهرستان بستان آباد در آذربایجان شرقی؛ تعداد ۲۳ چالش در نظام مدیریت روستایی از قبیل: نداشتن بیمه دهیاران، منفعت طلبی دهیاران، عدم امنیت شغلی دهیار، عدم همخوانی وظائف با توان دهیاران، عدم همکاری اعضای شورا با دهیار و ... معرفی نموده و راهکارهایی را برای رفع این آسیب‌ها ارائه نمود. از قبیل: سطح بندی دهیاران و اجرای برنامه‌های آموزشی بر اساس سطح آنها، بیمه کردن و استخدام دهیاران، ارائه وظائف منطبق با توان دهیاری و ... برقی‌مقدم و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان آسیب‌شناسی عملکرد دهیاران در فرایند توسعه پایدار روستایی از دیدگاه روستاییان بخش طرقله شهرستان بینالود؛ تعداد ۴۸ گویه در سه بعد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی معرفی نمود و نتایج تحقیق حاکی از پایین بودن عملکرد دهیاران در هر سه بعد توسعه روستایی می‌باشد. دیوید داگلاس (۲۰۱۲) در تحقیقی با عنوان بازسازی دولت محلی در مناطق روستایی کشور کانادا؛ وی توسعه روستایی را یک پدیده چند بعدی معرفی کرده و مدیریت غیرمتمرکز در روستاها را مهم‌ترین عامل موثر بر توسعه یافتگی روستاها معرفی می‌کند. وی با اعلام اینکه از سال ۱۹۹۸ که در کانادا شهرداری‌ها امور مدیریتی روستاها را بر عهده گرفته‌اند؛ تفاوت چشمگیری در وضعیت توسعه یافتگی مناطق روستایی ایجاد شده است، نتیجه‌گیری می‌کند که با توجه به تفاوت‌های مناطق روستایی باید از مدیریتی اقتضائی استفاده کرد.

روش پژوهش

این تحقیق از نظر هدف و ماهیت در زمره تحقیقات کاربردی است؛ زیرا نتایج حاصل از آن، قابل بکارگیری در شرایط واقعی بخش توسعه‌روستایی در ناحیه مرکزی استان گیلان می‌باشد. و طرح اصلی که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است، روش پیمایشی است. همچنین به منظور دستیابی به الگوی مفهومی از روش توصیفی - تحلیلی و شیوه مطالعات اسنادی استفاده شد. با توجه به تخصصی بودن سوالات و نیاز به داشتن دانش کافی در حوزه جغرافیای روستایی جهت پاسخ‌دهی به سوالات، از روش دلفی استفاده شده است. برای اندازه‌گیری پایایی پرسشنامه این تحقیق، از نرم افزار SPSS و آلفای کرونباخ استفاده شده است. با توجه به آزمون پرسشنامه توسط محقق، میزان روایی و پایایی به دست آمده ۰٫۹۷ درصد بوده که نشان می‌دهد پرسشنامه استفاده شده از روایی و پایایی لازم برخوردار است. لازم به یادآوری است که روایی و پایایی تحقیق حاضر، از طریق نرم افزار SPSS مورد سنجش و بررسی قرار گرفته است. پس از جمع‌آوری داده‌ها و استخراج اطلاعات، طبقه‌بندی و تهیه جداول توزیع فراوانی داده‌ها در راستای آزمون فرضیه و ارزیابی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در این پژوهش؛ با استفاده از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی و با استفاده از نرم‌افزار اکسل و SPSS به تبیین شاخص‌های مرکزی و پراکندگی و ترسیم جداول بر اساس آزمون T تک‌نمونه‌ای، آزمون تفاوت میانگین‌ها، آلفای کرونباخ، ضریب همبستگی اسپیرمن و جهت تنظیم نقشه‌ها از Arc GIS و جهت ارائه نمودار درختی از نرم افزار Microsoft Visio استفاده گردید. جامعه آماری این تحقیق عبارت است از ناحیه مرکزی استان گیلان؛ شامل: شهرستان‌های رشت، رودبار، انزلی، صومعه‌سرا، شفت و فومن؛ که در مجموع دارای ۱۸ بخش، ۴۷ دهستان و ۹۳۹ روستا می‌باشند. در مجموع تعداد کل روستاهای ناحیه مرکزی استان گیلان، ۹۳۹ روستا می‌باشد که از این تعداد، ۸۷۷ روستا دارای سکنه بوده و ۶۲ روستا خالی از سکنه می‌باشند. از ۶۷۰ روستای دارای دهیار ناحیه مرکزی، تعداد ۱۰ روستا خیلی بزرگ، ۸۲ روستا بزرگ، ۱۸۹ روستا متوسط، ۳۸۹ روستا کوچک می‌باشد که در مجموع روستاهای دارای دهیار، تعداد ۵۳۲ روستا، جلگه‌ای و ساحلی و تعداد ۱۳۸ روستا، کوهپایه‌ای و کوهستانی می‌باشد. برای انتخاب نمونه، روستاهای دارای دهیاری جهت بررسی انتخاب شدند. بدین ترتیب تمام روستاهای خیلی بزرگ، ۴۰ درصد روستاهای بزرگ، ۲۰ درصد روستاهای متوسط و ۱۰ درصد روستاهای کوچک به‌عنوان نمونه انتخاب گردید. تعداد روستاها بر اساس جمعیت، مبنای بزرگ تا کوچک بودن روستاها و تعداد و درصد نمونه‌های انتخاب شده در جدول (۱) آمده است.

جدول ۱. انتخاب روستاهای نمونه

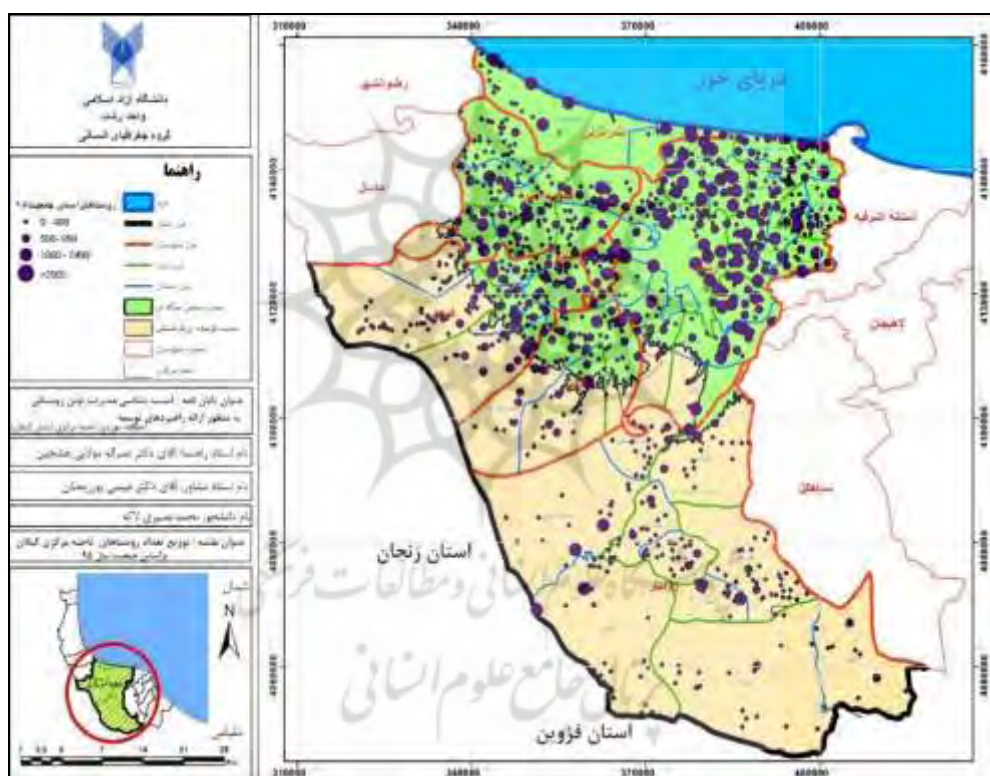
تعداد نمونه	درصد انتخاب نمونه	روستا		تعداد روستاها بر اساس جمعیت
		تعداد	درصد	
۱۰	۱۰۰	۱/۵	۱۰	بیشتر از ۲۵۰۰ نفر
۳۲	۴۰	۱۲/۲۳	۸۲	۱۰۰۰ - ۲۴۹۹
۳۸	۲۰	۲۸/۲۱	۱۸۹	۵۰۰ - ۹۹۹
۴۰	۱۰	۵۸/۰۶	۳۸۹	۱ - ۴۹۹
۱۲۰	-	۱۰۰	۶۷۰	جمع

قلمرو جغرافیایی پژوهش

استان گیلان بر اساس آخرین تقسیمات کشوری (۱۳۹۵) دارای ۱۶ شهرستان، ۵۲ شهر و ۴۳ بخش، ۱۰۹ دهستان و ۲۹۲۱ آبادی (۲۵۹۰ آبادی دارای سکنه و ۳۳۱ آبادی خالی از سکنه) می‌باشد. شهرستان‌های استان گیلان عبارتند از: آستارا، آستانه اشرفیه، املش، بندر انزلی، تالش، رشت، رضوانشهر، رودبار، رودسر، سیاهکل، شفت، صومعه‌سرا، فومن، لاهیجان، لنگرود و ماسال. ناحیه مرکزی گیلان برابر آخرین آمار تقسیمات کشوری شامل شهرستان‌های رشت، رودبار، بندرانزلی، صومعه‌سرا، فومن و شفت بوده و در شمال کشور و سواحل جنوب دریای خزر قرار گرفته است. برابر سرشماری عمومی سال ۱۳۹۵، ناحیه مرکزی با مساحت ۶۲۲۰ کیلومتر مربع و جمعیت ۱۴۶۲۳۱۷ نفر، ۴۴/۲۸ درصد از مساحت کل استان و ۵۷/۷۸ درصد جمعیت استان را به خود اختصاص داده است. تعداد روستاهای ناحیه مرکزی تعداد ۹۳۹ روستا می‌باشد که ۳۲/۱۴ درصد روستاهای استان می‌باشد که مساحت هر شهرستان به همراه تعداد بخش، شهر، دهستان و روستا در جدول (۲) آمده است. همچنین قلمرو پژوهش بر اساس طبقات جمعیتی و جغرافیایی در شکل (۱) مشخص شده است.

جدول ۲. مساحت شهرستان‌ها، تعداد بخش، شهر، دهستان و روستاها

شهرستان	مساحت (کیلومتر مربع)	بخش	شهر	دهستان	آبادی	
					جمع	دارای سکنه
کل استان	۱۴۰۴۴	۴۳	۵۲	۱۰۹	۲۹۲۱	۲۵۹۰
ناحیه مرکزی	۶۲۲۰	۱۸	۲۳	۴۷	۹۳۹	۸۷۷
رشت	۱۲۱۵	۶	۷	۱۸	۲۸۶	۲۸۳
رودبار	۲۵۱۷	۴	۷	۱۰	۲۰۷	۱۶۶
بندرانزلی	۲۹۹	۱	۱	۲	۲۷	۲۷
شفت	۵۹۹	۲	۲	۴	۹۹	۹۵
صومعه‌سرا	۵۸۸	۳	۳	۷	۱۵۱	۱۵۰
فومن	۱۰۰۲	۲	۳	۶	۱۶۹	۱۵۶



شکل ۳. قلمرو جغرافیایی پژوهش

یافته‌ها و بحث

آسیب‌های مدیریت نوین روستایی

میزان آسیب‌شناسی نظام مدیریت نوین توسعه روستایی، با توجه به نظرات پاسخ‌گویان در هر یک از ابعاد محیطی-اکولوژیک، اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی، نهادی- مدیریتی، کالبدی- فضایی در جدول زیر آورده شده است. هر آسیب براساس تعداد پاسخ‌گویان؛ اولویت بندی شده‌اند.

جدول ۳. اولویت بندی آسیب‌ها بر حسب نظرات پاسخ‌گویان

ابعاد	آسیب‌ها	تعداد	درصد	اولویت‌بندی
	نبود برنامه‌ریزی برای مدیریت پسماند و افزایش آلودگی‌های زیست محیطی	۲۸	۲۷/۱۸	۱
	مشکل دفع آبهای سطحی و فاضلاب خانگی	۱۸	۱۷/۴۷	۲
	تغییر کاربری اراضی کشاورزی و فقدان الگوهای کاربری اراضی متناسب با قابلیت‌های محیط روستا و اقدام دهیاران برای تغییر کاربری به دلیل اشتغال به واسطه گری خرید و فروش املاک و زمین	۱۳	۱۲/۶۲	۳
محیطی-اکولوژیک	عدم سرمایه‌گذاری و نبود امکانات کافی در راستای حفظ محیط زیست و اتلاف روز افزون منابع طبیعی در فرایند تولید محصولات کشاورزی	۱۰	۱۰/۷۱	۴
	اتلاف و آلودگی منابع آبی و برداشت غیرمجاز از آبهای زیرزمینی و آب شیرین تالاب انزلی برای زراعت و خطر خشک شدن تالاب و انتشار ریزگرد	۹	۱۰/۲۵	۵
	کمبود امکانات فرهنگی و تفریحی در روستاها (زمین ورزشی، کتابخانه، کلاس آموزشی)	۲۷	۳۱/۴	۱
اجتماعی-فرهنگی	بروز مسائل اجتماعی (فقر، بیکاری، اعتیاد، طلاق)	۲۳	۲۶/۷۴	۲
	فراموشی تدریجی آداب و رسوم و فرهنگ روستایی	۱۶	۱۸/۶	۳
	پایین بودن میزان مشارکت اهالی در فعالیت‌ها و کاهش سرمایه‌های اجتماعی به خصوص عدم استفاده از مشارکت زنان	۷	۸/۱۳	۴
	نبود شغل و درآمد کافی	۲۱	۲۴/۱۳	۱
	عدم حمایت بخش دولتی از کشاورزان و دامداران و بی توجهی به تامین اعتبارات مالی و بسته‌های حمایتی و پوشش‌های بیمه‌ای کافی و نظام تامین اجتماعی	۱۴	۱۶/۰۹	۲
اقتصادی	سخت‌گیری بانک‌ها و ادارات در ارائه تسهیلات کم بهره و عدم تناسب نظام بانکی با ساختار تولید در روستا	۱۴	۱۶/۰۹	۳
	پایین بودن قیمت محصولات کشاورزی و گران بودن هزینه تولید	۱۰	۱۱/۵	۴
	پایین بودن ضریب مکانیزاسیون در بخش کشاورزی و کوچک شدن زمین‌های کشاورزی و غیراقتصادی شدن کشاورزی	۸	۹/۱۹	۵
	تعدد سازمان‌های متولی در مدیریت روستا و عدم هماهنگی بین نهادها در بخش مدیریتی و موازی کاری و تداخل وظائف آنها در مدیریت روستا	۱۶	۱۷/۹۸	۱
	نبود اعتبارات کافی جهت توسعه روستاها و محدودیت اعتبارات دهیاری‌ها نسبت به شهرداری‌ها و فقدان منابع پایدار مالی	۱۵	۱۶/۸۵	۲
نهادی-مدیریتی	تداخل قوانین و مقررات در بخش مدیریتی	۱۲	۱۳/۴۸	۳
	عدم برخورداری دهیارها از اختیارات لازم برای اجرای امور	۹	۱۰/۱۱	۴
	پایین بودن سطح دانش و سواد دهیاران	۸	۹/۹۸	۵
	عدم تعامل بین شوراهای دهیاران و وجود اختلاف نظر بین تصمیمات شوراهای دهیارها	۷	۹/۰۶	۶
	از بین رفتن معماری سنتی و بومی روستاها	۹	۱۸	۱
	ساخت و سازه‌های غیرقانونی و عدم رعایت ضوابط فنی و ایمنی در ساخت مسکن توسط دهیاران و کارشناسان فنی دهستان	۸	۱۶	۲
	بالا بودن هزینه‌های مجوز ساخت و صدور پروانه	۶	۱۲	۳
	نبود کاربری‌های ورزشی و تفریحی	۶	۱۲	۴
کالبدی-فضایی	پراکندگی خانه‌های روستایی و مشکلات فراوان دهیاران در تامین اعتبارات عمرانی و زیرساختی	۵	۱۰	۵
	پایین بودن کیفیت راه‌های ارتباطی و کیفیت پایین سایر زیرساخت‌ها مانند آب شرب	۴	۹	۶
	کمبود اعتبار برای اجرای طرح‌های و طولانی شدن مراحل اجرای آن	۳	۶	۷
	نداشتن محل دفن زباله	۳	۶	۸

با توجه به جدول (۲) مشخص می‌شود که تعداد مهاجران وارد شده به شهرهای استانهای خراسان رضوی، شمالی و جنوبی طی سالهای ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ روند نزولی را طی کرده است و از تعداد مهاجران وارد شده به شهرهای این استانها کاهش یافته است. نتایج نشان می‌دهد که مدیریت نوین روستایی در بخش محیطی-اکولوژیک با آسیب‌هایی چون: نبود برنامه‌ریزی برای مدیریت پسماند و افزایش آلودگی‌های زیست محیطی، مشکل دفع آبهای سطحی و فاضلاب خانگی و تغییر کاربری اراضی کشاورزی فقدان الگوهای کاربری اراضی متناسب با قابلیت‌های محیط روستا و عدم سرمایه‌گذاری و نبود امکانات کافی در راستای حفظ محیط زیست و اتلاف روز افزون منابع طبیعی در فرایند تولید محصولات کشاورزی و پایین بودن سطح دانش و آگاهی مردم در رابطه با مسائل زیست محیطی و تخریب خاک و برداشت بی رویه و غیرمجاز از منابع آبی زیرزمینی و آب شیرین تالاب انزلی که موجب کاهش عمق آب در سالهای اخیر شده و خطر انتشار ریزگرد را افزایش خواهد داد مواجه است. در بخش اجتماعی فرهنگی، کمبود امکانات فرهنگی و تفریحی در روستاها (زمین ورزشی، کتابخانه، کلاس آموزشی)، بروز مسائل اجتماعی (فقر، بیکاری، اعتیاد، طلاق)، فراموشی تدریجی آداب و رسوم و فرهنگ روستایی و پایین بودن میزان مشارکت اهالی در فعالیت‌ها و کاهش سرمایه‌های اجتماعی به خصوص عدم استفاده از مشارکت‌زنان از جمله مهم‌ترین آسیب‌ها هستند. آسیب‌های بخش اقتصادی، شامل

نبود شغل و درآمد کافی، سخت‌گیری بانک‌ها و ادارات در ارائه تسهیلات و وام‌های ارزان قیمت و عدم تناسب ساختار بانکی با ساختار تولیدی روستا و پایین بودن قیمت محصولات کشاورزی و گران بودن هزینه تولید، تک محصولی بودن اقتصاد روستا و عدم ترویج کشت توام برنج با ماهی، کشت دوم و غیره می‌باشند. در بخش نهادی - مدیریتی، تعدد سازمان‌های متولی در مدیریت روستا و عدم هماهنگی بین نهادها در بخش مدیریتی و موازی کاری و تداخل وظایف آنها در مدیریت روستا، نبود اعتبارات کافی برای توسعه روستاها و محدودیت سرانه اعتباری دهیاری‌ها نسبت به شهرداری‌ها و عدم برخورداری از منابع پایدار مالی و تداخل قوانین و مقررات در بخش مدیریتی و عدم نظارت کافی بر دهیاران و کارشناسان فنی و سوءاستفاده از موقعیت شغلی را می‌توان از مهم‌ترین آسیب‌های توسعه برشمرد. در بخش کالبدی، ساخت و سازهای غیرقانونی و عدم رعایت ضوابط فنی و ایمنی در ساخت مسکن، بالا بودن هزینه‌های مجوز ساخت و صدور پروانه و از بین رفتن معماری سنتی و بومی روستاها، پایین بودن کیفیت راه های روستایی و سایر زیرساختها نظیر آب شرب از نظر پاسخ‌گویان، مهم‌ترین آسیب‌های توسعه هستند. طبق جدول (۴)، از نظر پاسخ‌گویان، بخش محیطی - اکولوژیک ناحیه مرکزی گیلان نسبت به سایر ابعاد؛ از آسیب پذیری بالایی برخوردار است.

جدول ۴. جمع بندی آسیب شناسی توسعه روستایی در ناحیه مرکزی گیلان

ردیف	ابعاد	انواع آسیب‌ها	تعداد کل آسیب‌ها	درصد آسیب‌ها	رتبه بندی
۱	محیطی - اکولوژیک	۵	۷۸	۲۳/۷۱	۱
۲	نهادی - مدیریتی	۴	۷۳	۲۲/۱۹	۲
۳	اقتصادی	۵	۶۷	۲۰/۳۶	۳
۴	اجتماعی - فرهنگی	۶	۶۷	۲۰/۳۶	۴
۵	کالبدی - فضایی	۸	۴۴	۱۳/۳۸	۵

ارزیابی میزان تأثیرگذاری بهبود نظام مدیریت نوین روستایی بر ابعاد توسعه روستایی

در گام دوم از یافته‌های پژوهش میزان تأثیرگذاری بهبود نظام مدیریت نوین روستایی بر ابعاد اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، نهادی - مدیریتی، محیطی - اکولوژیک و کالبدی - فضایی توسعه روستایی با استفاده از آزمون تی تک نمونه‌ای بررسی شده است. به منظور سنجش ابعاد مختلف توسعه روستایی براساس مطالعات مبانی نظری در هر بعد گویه‌های متفاوتی در پرسشنامه پژوهش قرار گرفت. برای محاسبه میزان تأثیرگذاری، باید حاصل جمع امتیازات هر پاسخگو در این گویه‌ها را به دست آورد. از آنجا که گویه‌ها در طیف لیکرت طراحی شده‌اند و دارای پنج گزینه خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و بسیار زیاد می‌باشند، بنابراین امتیازدهی بر اساس ضرایب ۱ تا ۵ صورت گرفت (خیلی کم=۱ امتیاز، کم=۲ امتیاز، متوسط=۳ امتیاز، زیاد=۴ امتیاز و بسیار زیاد=۵ امتیاز) و در نهایت میانگین کل امتیازات گویه‌ها محاسبه شد و با میانگین طیف (عدد ۳) مقایسه شد. گویه‌هایی که میانگین امتیازاتشان بیشتر از ۳ شده باشد به عنوان گویه تأثیرگذار در نظر گرفته شدند. نتایج این بررسی در جدول (۵) ارائه شده است.

جدول ۵. خلاصه نتایج آزمون t تک نمونه‌ای

رد	نتیجه تأیید	sig	t	انحراف معیار	میانگین	تعداد گویه‌ها	ابعاد توسعه
✓	✓	۰/۰۰۰	۱۰/۳۰۵	۰/۹۴۵	۳/۵۵	۳۱	اقتصادی
✓	✓	۰/۰۰۰	۷/۵۴۱	۰/۹۷۱	۳/۷۱	۳۳	اجتماعی - فرهنگی
✓	✓	۰/۰۰۰	۵/۳۱۲	۱/۰۵۲	۳/۹۸	۱۹	نهادی - مدیریتی
✓	✓	۰/۰۰۰	۶/۸۳۴	۰/۹۷۸	۳/۶۸	۲۶	محیطی - اکولوژیک
✓	✓	۰/۰۰۰	۵/۶۵۸	۰/۸۷۱	۳/۹۴	۱۲	کالبدی - فضایی

طبق جدول (۵) که در آن، گویه‌های ابعاد توسعه روستایی گروه نمونه با نمره استاندارد ۳ مقایسه شده؛ مشاهده می‌شود میانگین امتیازات گویه‌ها در پنج بعد به طور معناداری ($P < ۰/۰۵$) از معیار بالاتر است. و بیشترین نمره مربوط به بعد نهادی - مدیریتی و کالبدی - فضایی و کمترین نمره میانگین نیز مربوط به بعد اقتصادی است.

نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای مدیریت نوین روستایی

نظام فعلی مدیریت روستایی در ناحیه مرکزی گیلان دارای ۶ نقطه قوت می‌باشد که مهمترین آنها؛ آشنا بودن اعضای شورای روستا و دهیاران با ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های مختلف و متنوع روستا، بهره‌گیری از ظرفیت و مشارکت اهالی، معتمدین و افراد خیر در پیشبرد برنامه‌های تدوین شده و پروژه‌های ملی، استانی، شهرستانی و محلی بیشترین امتیاز را به خود اختصاص داده است. ۱۷ نقطه ضعف در نظام مدیریت نوین روستایی در سطح ناحیه مرکزی گیلان وجود دارد که مهمترین آنها؛ استفاده از موقعیت عضویت در شورای اسلامی یا سمت دهیار جهت کسب منافع شخصی و سوءاستفاده مالی؛ تعدد و پراکندگی وظائف دهیاران و عدم ارتباط برخی از وظائف با اختیارات و امکانات دهیاران؛ پایین بودن سطح سواد تعدادی از اعضای شورای اسلامی روستا به خصوص در نواحی کوهستانی و عدم ارتباط رشته تحصیلی تعدادی از دهیاران با وظائف و نا آشنایی با مفاهیم توسعه، مسائل عمرانی و اقتصادی؛ موازی کاری و تداخل وظایف سازمان‌های دولتی حاضر در روستا و چندپاره بودن مدیریت روستا و عدم وجود یک سازمان مختص و مستقل در امور روستایی می‌باشد. تعداد ۹ فرصت محیطی در ناحیه مرکزی گیلان وجود دارد که مهمترین آنها؛ استفاده از ظرفیت کارشناسی، اطلاعاتی، فنی و لجستیک ادارات دولتی نظیر: جهادکشاورزی، بنیاد مسکن و بسیج در پیشبرد امور و برنامه‌ها؛ استفاده از ظرفیت نمایندگان مجلس شورای اسلامی جهت دریافت منابع مالی، قیر رایگان جهت آسفالت معابر و کوچه‌ها، اختصاص خودروی حمل زباله و آتش‌نشانی و غیره؛ امکان ایجاد و توسعه بوم‌گردی روستایی با توجه به گردشگرپذیر بودن استان گیلان و فعالیت در حوزه عرضه غذاهای محلی به عنوان جاذبه مهم گردشگری؛ وجود دانشگاه علمی کاربردی سازمان همیاری شهرداری‌ها و دهیاری‌ها در مرکز استان و امکان تحصیل دهیاران و اعضای شوراهای اسلامی روستا در رشته امور دهیاری‌ها در مقاطع کاردانی و کارشناسی می‌باشد. همچنین تعداد ۹ تهدید در ناحیه مرکزی گیلان، وجود دارد که با توجه به امتیازات هر تهدید؛ مهمترین آنها؛ عدم واریز به موقع عوارض مختلف نظیر: عوارض خارج از حریم و ...؛ عدم توجه مدیران ارشد استانی و شهرستانی به روستاها و تخصیص پایین اعتبارات، عدم اولویت خدمات‌رسانی در شرایط بحران در مقایسه با شهرها؛ عدم وجود نگاه بلندمدت و استراتژیک در مدیریت نوین روستایی و انجام اقدامات کوتاه‌مدت زودبازده؛ عدم پیش‌بینی ساختار کارشناسی و چارت اداری برای دهیاری‌ها و پایین بودن سطح اطلاعات حقوقی، بودجه‌ای، فنی و عمرانی مدیریت نوین روستایی می‌باشد.

راهبردهای لازم جهت بهبود نظام مدیریت نوین روستایی

با توجه به بررسی‌های به عمل آمده در محدوده مورد مطالعه، مشاهدات عینی نگارنده و نتایج مستخرج از پرسشنامه‌ها، وضعیت مدیریت نوین روستایی در ناحیه مرکزی گیلان و با توجه به نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها؛ بر اساس روش SWOT راهبردهای زیر جهت بهبود نظام مدیریت نوین روستایی ناحیه مرکزی گیلان بر اساس ابعاد توسعه روستایی ارائه می‌شود:

جدول ۶. ماتریس تطبیقی SWOT نظام مدیریت نوین روستایی ناحیه مرکزی گیلان

عوامل داخلی عوامل خارجی	قوت‌ها (S)	ضعف‌ها (W)
فرصت‌ها (O)	<p>استراتژی‌های تهاجمی (SO):</p> <p>استراتژی ۱: نهادینه کردن و اجرای الگوی حکمروایی خوب روستایی در چارچوب پارادایم توسعه پایدار روستایی</p> <p>استراتژی ۲: توسعه و به‌کارگیری نظام مدیریت یکپارچه روستایی و تشکیل سازمان مختص مدیریت روستایی</p> <p>استراتژی ۳: سامان‌بخشی ساختاری- عملکردی و نظم دهی به دهیاری‌ها و شوراهای اسلامی روستا</p>	<p>استراتژی‌های محافظه کارانه (WO):</p> <p>استراتژی ۱: بازنگری در جایگاه و اصلاح وظائف دهیاری و شورای روستا با در نظر گرفتن توان، تخصص و اعتبارات آنها</p> <p>استراتژی ۲: افزایش فرصت‌های برابر دسترسی و توانایی مشارکت گسترده مردم در فرایندهای دموکراتیک</p> <p>استراتژی ۳: بازنگری در شیوه‌های تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی و استفاده از الگوی مدیریتی سیاست‌گذاری و نظارت از بالا و برنامه‌ریزی و اجرا از پایین</p> <p>استراتژی ۴: بازتوزیع اعتبارات دولتی و امکانات براساس درجه هر دهیاری</p>
	تهدیدها (T)	<p>استراتژی‌های تنوع (ST):</p> <p>استراتژی ۱: متنوع‌سازی ساختار، وظائف و تشکیلات دهیاری و شوراهای متناسب با شرایط جغرافیایی و توجه به تفاوت مدیریت در مناطق کوهستانی و کوهپایه‌ای با ساحلی و جلگه‌ای</p> <p>استراتژی ۲: تمرکززدایی تصمیمات و برنامه‌ریزی‌های روستایی از سطح ملی به محلی</p> <p>استراتژی ۳: بهینه‌سازی و به‌کارگیری فرایندها و رویه‌های جدید اجرایی و مدیریتی در نظام مدیریت روستایی کشور</p> <p>استراتژی ۴: بهره‌گیری از دانش بومی و مدیریت سنتی روستایی در ساختار نوین مدیریتی با در نظر گرفتن تفاوت‌های جغرافیایی روستاها</p>

جدول ۷. ماتریس ارزیابی عوامل داخلی (IFE) و خارجی (EFE) نظام مدیریت نوین روستایی ناحیه مرکزی گیلان

عوامل	میانگین	ضریب اهمیت	امتیاز
داخلی IFE	۱۷۸/۱۳	۱/۰۰۰	۲/۳۳
خارجی EFE	۱۴۶/۵	۱/۰۰۰	۲/۲۹

مطابق جداول (۶) و (۷)، نتایج ماتریس ارزیابی عوامل استراتژیک داخلی و خارجی حاکی است راهبرد استراتژیک مدیریت نوین روستایی ناحیه مرکزی گیلان با توجه به میانگین امتیازات نهایی برای عوامل داخلی (۲/۳۳) و عوامل خارجی (۲/۲۹) که در موقعیت ربع چهارم ماتریس ارزیابی موقعیت و اقدام استراتژیک قرار می‌گیرد، راهبردی تدافعی است. در این منطقه، تأکید بر رفع تهدیدهای بیرونی و نقاط ضعف داخلی یعنی کاهش آسیب‌ها است و لذا مطابق شکل (۳)، سناریوی انتخابی برای نظام مدیریت روستایی ناحیه مرکزی گیلان "سناریوی استراتژی تدافعی" می‌باشد.

شکل ۳. ماتریس ارزیابی موقعیت و اقدام استراتژیک و سناریوی پیشنهادی برای نظام مدیریت

روستایی ناحیه مرکزی گیلان به روش SWOT

<p>فرصت</p> <p>ST استراتژی‌های تنوع یا تعاملی تاکید بر تخصیص مجدد منابع</p> <p>ضعف</p>	<p>قوت</p> <p>SO استراتژی تهاجمی تاکید بر برتری‌های رقابت</p>
<p>تهدید</p> <p>WT استراتژی‌های تدافعی تاکید بر رفع آسیب‌پذیری‌ها</p> <p>IFE = ۲,۳۳ EFE = ۲,۲۹</p>	<p>WO استراتژی‌های محافظه کارانه یا بازنگری تاکید بر رفع نیازمندی‌ها</p>

در پایان در جدول (۸)، برای اولویت‌بندی استراتژی‌های پیشنهادی و با توجه به تجزیه و تحلیل مراحل قبل، ماتریس استراتژیک کمی (QSPM) تدوین شد و در آن پنج استراتژی تدافعی پیشنهاد و بررسی شده است. بر اساس ارزیابی میانگین نمرات استراتژی‌های تدافعی در ماتریس برنامه‌ریزی استراتژیک کمی، استراتژی فرعی "سازمان‌دهی و بازآفرینی ساختاری - نهادی و مدیریتی مدیریت نوین روستایی، با تشکیل سازمان متولی و مختص مدیریت روستایی در ساختار کلان مدیریتی کشور و ایجاد واحد مستقل منحصر به فرد با توجه به وضعیت جغرافیایی مناطق روستایی ناحیه مرکزی گیلان (الگوی روستاهای جلگه‌ای - ساحلی و الگوی روستاهای کوهپایه‌ای - کوهستانی) با وظایف شفاف، بازنگری شده و لازم الاجرا به‌عنوان مهم‌ترین استراتژی برای مدیریت روستایی در ناحیه مرکزی گیلان" پیشنهاد می‌شود.

جدول ۸. ماتریس اولویت‌بندی راهبردهای فرعی تدافعی (عوامل داخلی و خارجی)

رتبه نهایی	میانگین نمرات	نمره جذابیت عوامل خارجی	نمره جذابیت عوامل داخلی	راهبردهای فرعی
۳	۲/۷۲	۲/۶۴	۲/۸	توانمندسازی و ظرفیت‌سازی دهیاران و شوراهای اسلامی
۱	۳/۱۷	۳/۱۷	۳/۱۸	سازمان‌دهی و بازآفرینی ساختاری - نهادی و مدیریتی مدیریت نوین روستایی
۲	۲/۷۵	۲/۷۱	۲/۷۹	توسعه و بسط مدیریت و برنامه‌ریزی مشارکتی و واگذاری اختیارات، مدیریت و کنترل توسعه روستایی به مدیران، مسئولین و روستاییان
۴	۲/۶۶	۲/۶	۲/۷۳	توسعه و تامین اعتبارات زیرساخت‌ها، خدمات و تجهیزات مورد نیاز دهیاری‌ها
۵	۲/۵۶	۲/۶۱	۲/۵۲	توسعه سیستم مدیریت شبکه‌ای و خوشه‌ای روستایی و ارتقای مهارت و توانایی دهیاران

نتیجه‌گیری

تحقق مدیریت توسعه پایدار در گروهی مدیریت توسعه در همه ابعاد، در نقاط شهری و روستایی است و کم توجهی به آن موجبات عقب‌ماندگی در همه حوزه‌ها خواهد شد. قدمت بسیار زیاد مدیریت محلی چه از لحاظ حقوقی و قانونی، جایگاه مدیریت و نقش آن هنوز نتوانسته از جایگاه مناسبی برخوردار گردد. بهترین مستندات و گواه این نکات؛ گسترش فقر، تشدید فاصله طبقاتی میان شهر و روستا، تخریب رو به ازدیاد منابع طبیعی، چالش‌های فرهنگی، اقتصادی و غیره در سطح روستاها نشان از عدم کارآمدی نظام مدیریت در نواحی روستایی ایران دارد. و پر کردن خلاء مدیریتی روستاها، انتقال مدیریت از دولت به مردم، اجرای سیاست عدم تمرکز، سپرده شدن کار مردم به مردم و ارتقاء مشارکت، سرعت بخشیدن به جریان کارها و امور مردم، رفع تبعیض، هدایت و رهبری امور محلی و منطقه‌ای، نیروسازی و رشد استعدادهای مردمی از مهم‌ترین وظایف شوراهای اسلامی روستا در این دوره بوده است.

تعداد ۶۷۰ روستا در ناحیه مرکزی استان گیلان دارای مدیریت نوین روستایی هستند که تعداد ۱۰ روستا؛ خیلی بزرگ - ۸۲ روستا؛ بزرگ؛ ۱۸۹ روستا؛ متوسط - ۳۸۹ روستا؛ کوچک می‌باشد. که در مجموع روستاهای دارای دهیار؛ تعداد ۵۳۲ روستا؛ جلگه‌ای و ساحلی و تعداد ۱۳۸ روستا؛ کوهپایه و کوهستانی می‌باشد. به‌منظور بررسی آسیب‌های مدیریت نوین روستایی در توسعه روستایی ناحیه مرکزی گیلان، تعداد ۱۲۰ روستا انتخاب شدند. در زمینه فرضیه اصلی پژوهش اثبات شد، نظام مدیریت نوین روستایی و توسعه روستاهای ناحیه مرکزی گیلان با آسیب‌هایی مواجه است و بیشترین آسیب نیز در زمینه‌های محیطی - اکولوژیک می‌باشد. همچنین بر اساس تعداد پاسخ‌های جمع‌آوری شده فقدان برنامه‌ریزی مناسب برای مدیریت پسماند، مشکل دفع آبهای سطحی و فاضلاب خانگی و تغییر کاربری اراضی کشاورزی به‌عنوان مهم‌ترین آسیب‌های محیطی - اکولوژیک، کمبود امکانات فرهنگی و تفریحی، تشدید مسائل اجتماعی از قبیل فقر، بیکاری، اعتیاد و طلاق و همچنین فراموشی و بی توجهی به فرهنگ بومی و آداب و رسوم مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی - فرهنگی می‌باشد. همچنین نبود شغل مناسب، پایین بودن درآمد، پایین بودن قیمت محصولات کشاورزی، گران بودن هزینه‌های تولید و سخت‌گیری بانک‌ها در پرداخت تسهیلات ارزان قیمت به روستاییان از مهم‌ترین آسیب‌های اقتصادی است. عدم هماهنگی بین نهادها و ادارات در بخش‌های مدیریتی، فقدان اعتبارات کافی دولتی برای توسعه روستایی و تداخل قوانین و مقررات در بخش مدیریتی از مهم‌ترین آسیب‌های نهادی - مدیریتی از نظر پاسخ‌دهندگان می‌باشد. همچنین ساخت و سازهای غیرقانونی و عدم رعایت ضوابط فنی و ایمنی در ساخت مسکن، بالا بودن هزینه‌های مجوز ساخت و صدور پروانه و از بین رفتن معماری سنتی و بومی روستاها، از مهم‌ترین آسیب‌های کالبدی - فضایی از منظر پاسخ‌دهندگان است. با توجه به نتایج بدست آمده، پیشنهادها زیر را می‌توان ارایه نمود:

- به سیاستگذاران در حوزه مدیریت روستایی پیشنهاد می‌شود تا با تصویب قوانین جدید شرایط لازم جهت واگذاری کلیه امور مدیریتی روستا به دهیاران و شوراهای اسلامی را مهیا سازند.
- توصیه می‌شود به منظور هماهنگی بیشتر در امور مدیریتی روستا، به جای وجود چندین سازمان، یک سازمان تخصصی و متولی امور مدیریت روستا تشکیل گردد و کلیه امورات روستایی به آن واگذار گردد.
- توصیه می‌شود ادارات و سازمان‌های دولتی، جایگاه دهیاری را به‌عنوان یک سازمان عمومی غیردولتی و جایگاه شورای اسلامی را به عنوان نهاد تصمیم‌گیری در امور روستا به رسمیت بشناسند و در هرگونه تصمیم‌گیری‌ها، نسبت به هماهنگی با این دو نهاد مردمی مبادرت ورزند.
- توصیه می‌شود جهت تقویت بنیه مالی دهیاری‌ها، نسبت به افزایش اعتبارات عمرانی آن‌ها اقدام شود و از دهیاران به عنوان دستگاه اجرایی در کمیته‌های برنامه‌ریزی شهرستان و استان و شورای برنامه‌ریزی شهرستان کرسی داده شود.
- توصیه می‌شود بخشداران و فرمانداران به جای چشم‌داشتن به اعتبارات ناچیز دهیاری‌ها و توصیه برای این اعتبارات در سایر امورات، به استقلال این نهادهای عمومی غیردولتی احترام بیشتری بگذارند.
- توصیه می‌شود وزارت جهاد کشاورزی، وزارت صنعت، معدن و تجارت و سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری نسبت به تهیه بسته‌های حمایتی اشتغال روستایی اقدام نمایند.
- توصیه می‌شود سیاستگذاران کلان کشور، نسبت به جایگزینی طرح‌های توسعه ویژه روستاها با طرح‌های هادی مبادرت نمایند.

تقدیر و تشکر

این مقاله مستخرج از رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی بوده که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت از آن دفاع شده است.

منابع

- آسایش، حسین. (۱۳۸۱). کاربرد شاخص‌ها در سنجش توسعه روستایی. ماهنامه جهاد، شماره ۲۵۳.
- استعلاجی، علیرضا. (۱۳۹۱). بررسی الگوی مدیریت روستایی در ایران با تاکید بر مدیریت محلی و مشارکتی دهیاری‌ها. فصلنامه علمی پژوهشی *انجمن جغرافیای ایران*، دوره جدید، ۱۰ (۳۲)، ۲۵۸-۲۳۹.
- ایمانی جاجرمی، حسین. (۱۳۷۲). شوراها و روستا، الگوی از مدیریت در جوامع ده نشین. مجله جهاد، ۱۲ (۱۵۸)، ۸۹-۱۰۰.
- الوانی، مهدی. (۱۳۸۵). کتاب مدیریت عمومی. تهران: نشر نی.
- بدری، علی و موسوی، عارف. (۱۳۸۸). مدیریت نوین روستایی. اشتیاق نور، تهران.
- برقی مقدم، حمید؛ قنبری، یوسف و افشاریان پور، علی. (۱۳۹۳). ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها در توسعه اقتصاد نواحی روستایی از دیدگاه ساکنین (دهیاری دهکردی: شهرستان بزم). فصلنامه علمی پژوهشی برنامه‌ریزی فضایی، ۴ (۴)، ۸۷-۱۰۴.
- حسینی ابری، حسن. (۱۳۸۰). مدخلی بر جغرافیای روستایی ایران. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- حسین‌زاده دلیر، کریم. (۱۳۹۴). برنامه‌ریزی ناحیه‌ای. تهران: انتشارات سمت.
- حیدری مکر، علی و نجفی، محمد. (۱۳۹۰). بررسی آسیب‌ها و چالش‌های مدیریتی در روستاهای ایران (مطالعه موردی: روستای صفی آباد - جوانرود). فصلنامه اندیشه جغرافیایی، ۵ (۹)، ۴۴-۱.
- رضوانی، محمدرضا. (۱۳۹۱). مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران. تهران: نشر قومس.
- رضوانی، محمدرضا. (۱۳۸۶). مدیریت نهادهای محلی. ماهنامه دهیاری‌ها، شماره ۲۱، ۴۸-۴۴.
- رضائیان، علی. (۱۳۸۹). اصول مدیریت. تهران: انتشارات سمت.
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ سجاسی قیداری، حمدالله و عینالی، جمشید. (۱۳۸۶). نگرشی نو به مدیریت روستایی با تاکید بر نهادهای تاثیرگذار. فصلنامه روستا و توسعه، ۱۰ (۲)، ۳۰-۱.
- زمردیان، محمدجعفر. (۱۳۷۰). اصول و مبانی عمران ناحیه‌ای. مشهد: انتشارات کتابستان مشهد.
- شهبازی، اسماعیل. (۱۳۹۰). درآمدی بر آسیب‌شناسی توسعه روستایی. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- صیدائی، اسکندر. (۱۳۹۰). برنامه‌ریزی روستایی در ایران. اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی اصفهان.
- طالب، مهدی. (۱۳۷۱). مدیریت روستایی در ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- عمید، حسن. (۱۳۸۹). فرهنگ فارسی عمید. تهران: انتشارات فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی.
- فیروزنیا، قدیر؛ رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و بدری، سیدعلی. (۱۳۸۹). چشم‌انداز و نظام مدیریت توسعه کالبدی نواحی روستایی ایران. تهران: انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- قدیری معصوم، مجتبی و ریاحی، وحید. (۱۳۸۳). بررسی محورها و چالش‌های مدیریت روستایی در ایران. پژوهش‌های جغرافیایی، ۳۶ (۵۰)، ۱۹۸-۱۷۷.
- کریمی، فرزاد و احمدوند، مصطفی. (۱۳۹۳). وضعیت سنجی و اولویت بندی شاخص‌های توسعه پایدار در مناطق روستایی بخش مرکزی بویراحمد. پژوهش‌های روستایی، ۵ (۳)، ۶۹۰-۶۶۳.
- مولائی هشجین نصرالله. (۱۳۹۷). درآمدی بر آسیب‌شناسی مدیریت روستایی در ایران. تهران: انتشارات دانشگاه آزاد تهران.
- مهدوی، مسعود و نجفی کانی، علی‌اکبر. (۱۳۸۴). تجربه‌ای دیگر در مدیریت روستاهای ایران (مطالعه موردی: دهیاری‌های آذربایجان غربی). فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، ۳۷ (۵۳)، ۳۹-۲۱.
- مطیعی‌لنگرودی، حسن. (۱۳۸۲). مدیریت جدید برای نوسازی روستایی، تجربه اروپا و شمال آمریکا. مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۱، ۲۵۱-۲۲۹.
- مطیعی‌لنگرودی، حسن. (۱۳۹۳). برنامه ریزی روستایی با تاکید بر ایران. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- معین، محمد. (۱۳۵۰). فرهنگ فارسی معین. تهران: انتشارات امیر کبیر.

How to cite this article:

Nasiri lake, M., Molaie Hashjin, N., & Pourramzan, E. (2022). Pathology of the New Rural Management System and Rural Development (Case Study: Central District of Guilan). *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 17(3), 665-677.

ارجا به این مقاله:

نصیری لاکه، محمد؛ مولائی هشجین، نصرالله و پوررمضان، عیسی. (۱۴۰۱). آسیب شناسی نظام مدیریت نوین روستایی و توسعه روستایی (مطالعه موردی: ناحیه مرکزی گیلان). فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۱۷ (۳)، ۶۷۷-۶۶۵.

فصلنامه علمی

مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی